



شماره شصت: ۳۱۷۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	نوحه برای میت
۲.....	مرور بر گذشته
۲.....	دو راه برای جمع بندی
۳.....	تفاوت دو طریق جمع
۳.....	لازمه‌ی اجرای قانون انقلاب نسبت
۳.....	راه‌های بعد از تعارض
۴.....	اختلاف در مرجحات



نوحه برای میت

مرور بر گذشته

بحث در نوحه علی المیت بود. چهار طایفه را بحث کردیم. طایفه مفصله، از لحاظ سند ضعیف بود.

۱. مانعه: لایجوز ناحه علی الاموات مطلقاً

۲. مجوزه: لا بعث ناحه علی الاموات

۳. مفصله: (اعتبار نداشت و کنار گذاشته شد)

۴. روایت اول باب ۱۷.

وقتی طایفه چهارم را پذیرفتیم و وارد بحث کردیم در جمع‌بندی بحث انقلاب نسبت را وارد بحث کردیم. در این جمع‌بندی سه طایفه وجود داشت

۱. مانعه

۲. مجوزه

۳. استحباب برای معصومین (علیهم‌السلام)

دو راه برای جمع‌بندی

۱. دو عام را با قطع نظر از خاص، جمع می‌کنیم. جمع دلیل یک و دوم، کراهت را بیان می‌کند. بعد می‌گوییم که این جمع‌بندی، با طایفه سوم تخصیص خورده است. این طریق عدم انقلاب نسبت است.

۲. این طریق انقلاب نسبت است. ابتدا خاص را با عام جمع می‌کنیم. یعنی عام را قید می‌زنیم. بعد این دو عام را در مقابل هم قرار می‌دهیم. نتیجه این طریق به این صورت می‌شود که در غیر معصوم (علیهم‌السلام) حرام است و در معصوم مستحب است.



تفاوت دو طریق جمع

راه اول، کراهت به جز معصومین را می‌رساند. راه دوم، حرمت را در غیر از معصوم (ع) بیان می‌کند.

لازمه‌ی اجرای قانون انقلاب نسبت

انقلاب نسبت به جمع دیگر مقدم است. یعنی به جز معصوم (علیهم‌السلام) حرام است. البته در اینجا یک مانع و اشکالی وجود دارد که نمی‌توانیم قاعده انقلاب نسبت را جاری کنیم.

اگر انقلاب نسبت را اجرا بکنیم و مطابق قاعده جلو برویم، این مستلزم آن است که ادله لایعنه حمل بر معصومین (علیهم‌السلام) بشود. این حمل بر فرد نادر نیست. شواهد نشان می‌دهد که اگر بخواهد حمل بر معصومین (علیهم‌السلام) بشود مورد از دلیل خارج می‌شود.

لازمه قانون انقلاب نسبت در این بحث، حمل اخبار مجوزه بر غیر مورد خودش است. لایعنه‌هایی که وجود دارد معلوم است برای معصوم (ع) نیست. مثل قضیه ام سلمه. موارد دیگر نیز قدر متیقنش غیر معصوم است. اینجا نشان می‌دهد که انقلاب نسبت در اینجا جاری نیست.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی این روایات، ۴ روش را در پیش گرفتیم. بهترین راه، همان راه حل اول بود و نتیجه آن کراهت است.

راه‌های بعد از تعارض

اگر این جمع‌ها را کنار بگذاریم باید بگوییم چند طایفه وجود دارد:

۱. طایفه مجوزه

۲. طایفه مانعه

در این صورت تعارض ایجاد می‌شود و اگر راه جمعی نیز پیدا نشد، باید چه کرد؟



شماره پست: ۳۱۷۰

وقتی که دو طایفه تعارض کردند، به سراغ جمع می‌رویم. اگر جمع نشود، به سراغ مرجحات می‌رویم و بعد از آن تساقط می‌کنند. و بعد سراغ عام فوق می‌رویم. و اگر این نبود به سراغ اصل عملی می‌رویم.

اگر بگوییم که جمع‌بندی روایات واقع نمی‌شود، باید اعمال مرجحات کنیم. در این مرحله دوم اختلافات زیادی وجود دارد.

اختلاف در مرجحات

اختلاف در این است که بعضی دو و بعضی سه تا می‌دانند. آقای خویی مرجحات را دو عدد می‌داند. موافقت با کتاب و مخالفت با عامه.

نظر دوم، نظر کسانی مثل حضرت امام (ره) است. ایشان نظر دارند که ما سه مرجحات داریم. ۱. شهرت، ۲. موافقت کتاب، ۳. مخالفت با عامه

نکته

مرجح بین دو دلیل معتبر است. مرجح بین دو دلیل غیر معتبر نیست.

ما نیز نظرمาน این است که شهرت مرجح نیست.

مرجحات در بحث

اگر اعتقاد به دیدگاه امام (ره) داشته باشیم. شهرت همان عدم حرمت است. اگر اعتقاد به دیدگاه آقای خویی (ره) داشته باشیم باید بگوییم که مرجح کتاب وجود ندارد. مخالفت با عامه مرجح می‌شود. اگر به اینجا برسیم، روایات مجوزه مخالف با عامه است. اکثریت عامه قائل به حرمت هستند. در نتیجه جواز حکم می‌شود. بنای عامه مخالف سخن اهل البیت (علیهم‌السلام) را تمسک می‌کردند.

دو دیدگاه یک نتیجه را بیان می‌کند.

اگر مرجحات را نیز نپذیریم و به مرحله سوم رسیدیم. این‌ها تعارض و تساقط می‌کنند و رجوع به اصل می‌کنیم. اصل نیز احراز برائت است.



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۱۷۰